



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



کرامت انسانیت و اندیشہ ملیّہ

سلسلہ مباحث معرفتی (۱)

پروفیسر ڈاکٹر شمیم اختر، چیئر پرسن، نیشنل کمیشن برائے انسانی حقوق

انورہ و انٹرنیٹ اور ایچ۔ ایچ۔ سوسائٹی، اسلام آباد

یہ کتاب حقوق انسانی اور انسانی
کرامت کے مفہوم، اہمیت اور
انسانی کرامت کی بنیاد پر
انسانی حقوق کی تحریک اور
انسانی کرامت کی بنیاد پر
انسانی حقوق کی تحریک اور
انسانی کرامت کی بنیاد پر
انسانی حقوق کی تحریک اور
انسانی کرامت کی بنیاد پر



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کرامت انسان در اندیشه های مرجعیت

نویسنده:

آیت الله العظمی محمد یعقوبی

ناشر چاپی:

چکامه ی باران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	کرامت انسان در اندیشه های مرجعیت
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	فهرست مطالب
۱۴	مقدمه
۱۸	کرامت مطلق انسان
۲۵	حقوق فطری و کرامت انسانی
۳۴	اسلام، دموکراسی و حقوق بشر
۳۴	اشاره
۳۴	سوال نخست
۳۴	اشاره
۳۴	پاسخ
۴۲	پرسش دوم
۴۲	اشاره
۴۲	پاسخ
۴۳	پرسش سوم
۴۳	اشاره
۴۴	پاسخ
۴۶	پرسش چهارم
۴۶	اشاره
۴۶	پاسخ
۵۰	حقوق بشر در نهضت حسینی
۵۰	اشاره

۵۱	آزادی و حریت
۵۴	عدالت اجتماعی
۵۵	برابری و مساوات
۵۵	عمل به قانون منتخب
۵۶	اداره امور بوسیله منتخبین ملت
۵۷	کرامت و پرهیز از ذلت
۵۷	دفاع از حق و مبارزه با ظلم
۵۸	اصلاح طلبی و مبارزه با فساد
۵۹	آزادی بیان و انتخاب
۶۰	شفافیت وعدم گمراهی و فریب
۶۱	رحمت و دلسوزی و خیرخواهی
۶۲	عدم تجاوز به حقوق دیگران
۶۳	اولویت منافع اجتماعی بر منافع فردی
۶۶	درباره مرکز

گرامت انسان در اندیشه های مرجعیت

مشخصات کتاب

مؤلف حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی

نشر چکامه ی باران

چاپ اول-پاییز 1397

شمارگان 1000 نسخه

صفحه آرای حسین فلاح

طراحی جلد فاطمه هانفی

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم نفیسه معظم

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

علی (علیهم السلام): آنکه با کتاب به آرامش رسد، هیچ آرامشی را از دست نداده.

غرر الحکم 8126

ص: 2

کرامت انسان در اندیشه های مرجعیت

مؤلف حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی

تهیه و ترجمه

موسسه نور

ص: 3

نشر چکامه وان

کرامت انسان در اندیشه های مرجعیت

مؤلف حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی

چاپ اول- پاییز 1397

شمارگان 1000 نسخه

شابک

قیمت

صفحه آرای حسین فلاح

طراحی جلد فاطمه هانفی

دفتر نشر: کرج، بلوار شهید مؤذن، ابتدای شهرک جهازی ها، پلاک 31 دفتر چاپ: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، شماره 201

025 37733080

chakamebaran@yahoo.com chakamebaran.ir

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

ص: 4

فهرست مطالب

مقدمه...7

کرامت مطلق انسان...11

حقوق فطری و کرامت انسانی...18

اسلام، دموکراسی و حقوق بشر...27

سوال نخست...27

پاسخ...27

پرسش دوم...35

پاسخ...35

پرسش سوم...36

پاسخ...37

پرسش چهارم...39

پاسخ...39

حقوق بشر در نهضت حسینی...43

آزادی و حریت...44

عدالت اجتماعی...47

برابری و مساوات...48

عمل به قانون منتخب...48

اداره امور بوسیله منتخبین ملت...49

کرامت و پرهیز از ذلت...50

دفاع از حق و مبارزه با ظلم...50

اصلاح طلبی و مبارزه با فساد...51

آزادی بیان و انتخاب...52

ص: 5

شفافیت وعدم گمراهی و فریب...53

رحمت و دلسوزی و خیرخواهی...54

عدم تجاوز به حقوق دیگران...55

اولویت منافع اجتماعی بر منافع فردی...56

ص: 6

مقدمه

کرامت انسان از موضوعات مهم و از کلمات زیبا و پرمعنایی است که از ابتدای خلقت انسان که با امتزاج نفخه الهی و خدایی با طینت و جسم آدمی همراه شد، تجلی و تحقق پیدا کرد. کرامتی که منشأ مقام خلیفة اللہی و جانشینی خدا، تسخیر ارض، مسجود ملائک و فرشتگان مقرب پروردگار گشتن و... برای انسان شد و با بیانی شیوا و گویا از سوی خدای کرامت آفرین به صراحت اعلام گردید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ». آنچه در آیه شریفه به آن تصریح گردیده همان چیزی است که امروزه از آن به کرامت ذاتی، طبیعی و یا حیثیت ذاتی انسان تعبیر می شود و دنیای غرب نیز پس از گذراندن دوران سیاه قرون وسطایی به این مهم پی برده و آن را در اعلامیه جهانی حقوق بشر گنجانده است.

نوع دیگری از کرامت نیز از سوی آفریننده و خالق کرامت به آدمیان عرضه شد تا با دست یابی به آن، کمال

مطلوب و علت غایی از خلقت را به دست آورده و به قرب بارگاه ربوبی راه یابند. آیه شریفه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ

أَنْتَقَاكُمُ». به فرزندان آدم یادآور می شود به کرامت ذاتی خویش که در وجود همگان به ودیعت گذارده شده، بسنده ننموده و با پارسایی و پرهیزگاری، آن را خمیرمایه نیل به مراحل و مراتب والا و بالای کرامت قرار داده و از آن نردبان صعودی برای نیل به کمالات و مقامات بالا بسازند، چیزی که در اسناد حقوقی بین المللی بشر مغفول مانده و یا بسیار کمرنگ دیده می شود.

از آنجا که کرامت انسانی مبدأ و مبنای بسیاری از حقوق آدمی چون حق حیات در زندگی، حق آزادی، امنیت، رشد و شکوفایی شخصیت در پرتو تعلیم و تعلم و آموزش و پرورش و ... می باشد ضرورت دارد مفهوم، ویژگی ها و

ارکان اساسی آن و نیز انواع و اقسامی که برای آن متصور است و همچنین علل زوال و فنا و پایان آن و همچنین

عوامل عدم مراعات آن از سوی برخی از انسانها و حتی حکومتها و سازمانها، مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا

حقیقت امر برای آنان که تشنه حقایق اند به روشنی هویدا گردد و با شناخت از این گوهر ناب خدادادی در پاسداشت

آن بکوشند و خود به آسانی زوال و نابودیش را بر نتابیده و دیگران را نیز از تعدی و تجاوز به آن باز دارند. یادآوری این

نکته نیز در خور توجه است که عدم تبیین و تشریح این حق مهم و حیاتی بر ضرورت بررسی و تحقیق پیرامون آن

افزوده است. باید به این موضوع به فراخور آن به تحقیق و پژوهش پرداخت و تحقیق غنی و پر محتوایی را به جامعه

عرضه کرد و... اما در اینجا تنها به بخشی از این موارد به صورت کاملاً گذرا و اجمالی می پردازیم و آن هم از رویکرد

مرجعیت دینی به این موضوع از رهگذر ادبیات و آموزه های دینی است. در همین راستا آیت الله العظمی شیخ

محمد یعقوبی (دام ظلّه) در یکی از سخنرانی های خود به موضوع راهبردی کرامت انسان در اندیشه دینی پرداختند.

ایشان آزادی انتخاب، اختیار، تکامل و پیشرفت را از مظاهر تکریم و کرامت انسان یاد کردند.

و همچنین اموری همچون تکفیر، قتل، غارت، برده داری، تسلط و سیطره بر اموال و ثروت های ملت ها را از اعمال مورد انکار ادیان و شرایع آسمانی ذکر کردند، در حالی که این اعمال و رفتار ها را به ادیان منتسب می کنند و با نام دفاع از اندیشه های ناب الهی و آسمانی چنین کنند رفتارهایی را مرتکب می شوند.

ایشان در بخش دیگر، یکی از راه های شناخت درست و صحیح بودن ادیان هر دین و کیشی باشد - تلاش آن

برای برقراری و تحقق کرامت انسان ها و حفظ و صیانت از حقوق افراد معرفی کردند به طوری که انسان کرامت خود

را در آن احساس کند، اما قتل، غارت، تکفیر، ترور، تسلط و سیطره بر اموال عمومی و ثروت های ملت ها را از رفتارهای دینی و مورد تایید ادیان ندانستند، هر چند که با نام دین و دفاع از آن صورت بگیرند، چرا که فلسفه ادیان آسمانی برای حفظ انسانیت انسان و کرامت و سعادت او تشریح شده اند.

وجود قانون عادلانه و منصف و اجرای آن توسط دولتی که با در نظر گرفتن ارزش های بلند و والای انسانی و حفظ حقوق ملت و صیانت از کرامت مردم و نگهداری از اموال بیت المال و دوری از استبداد و هرج و مرج و سیاست زدگی و نا آرامی و ... از لوازم آن است.

همچنین از دیگر لوازم آن دولتی انسانی که ارزش های والا را برای انسان قائل باشد و تمام حقوق او را رعایت کند و در تمام قوانین و دستور العمل ها، آن را مد نظر قرار دهد و جایی برای استبداد و چپاول و جهل و عقب ماندگی در آن نباشد. در این کتاب دیدگاه های ایشان برگرفته از سخنرانی ها در مناسبت های مختلف را با کمی تصرف گرد هم جمع آوردیم تا کرامت انسان را با بیانی شیوا و مستدل و مستند تبیین کند.

کرامت مطلق انسان

(وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ)

کرامت مطلق برای انسان به عنوان یک حقیقت و آموزه الهی، در آیه (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ) با توجه به تاکید

های متعدد نظیر (لام) و (قد) و (صیغه تفعیل)، یکی از مهمترین اصولی است که در وضع قوانین و مقررات به آن

استناد و استدلال می شود، آن کرامتی که خداوند متعال آن را در ابتدای خلقت انسان به تمام خلائق اعلام کرد و ملائکه را به پاس آن، امر

به سجود برای آدم کرد و ابلیس به جهت آن تکریم الهی به آدم حسادت ورزید، خداوند متعال در قرآن از ابلیس حکایت می کند که

گفت: (قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْت عَلَيَّ لَئِنِ أَخَّرْتَنِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأُحْتَكِنَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا) اسرا آیه 62

و شناخت حق است، و همان راهی است که انسان را به سوی خداوند رهنمون می سازد.

باید دانست مفهوم کرامت از مفاهیم نسبی است که دارای درجاتی است که شدت و ضعف آن، بستگی به مقدار تقوای انسان دارد، خداوند متعال می فرماید: (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ) (1) گرامی ترین شما، نزد خداوند با تقواترین شماست.

انسان می تواند به درجه ای از کرامت نائل آید که به مقامی بالاتر و والاتر از ملائک می رسد؛ در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آمده است: (مَا شَيْءٌ أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ مِنْ آدَمَ) چیزی بر خداوند گرامی تر از آدمزادگان نیست. و در روایتی از امام باقر (علیه السلام) که ایشان می فرمایند: (مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ خُلُقًا أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْمُؤْمِنِ لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ خُدَّامُ الْمُؤْمِنِينَ) خداوند مخلوقی گرامی تر از مومن نیافرید چرا که ملائکه خدمتگذاران مومنان اند.

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) که ایشان از امیرالمومنین (علیه السلام) علت و فلسفه آن را اینگونه شرح می دهد: (إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ رَكَّبَ فِي الْمَلَائِكَةِ عَقْلًا بِلاَ شَهْوَةٍ وَرَكَّبَ فِي الْبَهَائِمِ شَهْوَةً بِلاَ عَقْلِ وَرَكَّبَ فِي بَنِي آدَمَ كِلَيْهِمَا فَمَنْ غَلَبَ عَقْلُهُ

ص: 12

شَهْوَتُهُ فَهُوَ خَيْرٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَمَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ) خداوند به ملائکه عقل عطا فرمود و به آنها شهوت نداد و به حیوانات شهوت داد و عقل را نداد؛ و به آدمزادگان هر دوی آنها را داد پس هر کس عقل او بر شهوتش پیروز شد از ملائکه بهتر است و هر آنکس که شهوتش بر عقلش پیروز گشت از حیوانات پست تر است.

این تکریم الهی تمام ابعاد انسانی انسان را در بر دارد، در بدن او را به بهترین وجه آفرید: (فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ⁽¹⁾) بهترین صورت و نظام آفریدیم. و در روایتی از امیرالمومنین (علیه السلام) می فرماید: (صُورَةَ الْإِنْسَانِ وَ هِيَ أَكْرَمُ الصُّورِ عَلَى اللَّهِ) صورت آدمیان گرامی ترین صورت هاست.

خداوند متعال عقل و ابزار علم و دانش و معرفت را به انسان داد تا زندگی خود را بسازد و آبادانی و پیشرفت و

توسعه را در حیات خود بوجود آورد در حالی که دیگر مخلوقات از اولین روز خلقت خود تا روز قیامت زندگی یکنواخت و بدون هر گونه تغییر را سپری می کنند.

همچنین خداوند هر آنچه را در زمین است را برای خدمت به انسان آفرید: (وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا

ص: 13

فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ (1) او آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه را از سوی خودش مسخر شما ساخته. و او را تعلیم فرمود که چگونه از موهبت های الهی کمال استفاده و بهره برداری را داشته باشد.

و از دیگر مظاهر و نشانه های تکریم الهی، نعمت اختیار، انتخاب و اراده است که با سیر صعودی به سوی کمال تحقق می یابد و جهت سهولت در تکامل، آموزه های انسان ساز را در قالب کتاب های آسمانی، توسط رسولان و انبیاء برای آنها فرستاد تا راه های سعادت از شقاوت و خیر را از شر بهتر بشناسد و کرامت و جایگاه خود را به وسیله آنها باز یابد.

یکی از راه های شناخت درستی و صحیح بودن ادیان - هر دین و آیینی باشد - تلاش آن برای برقراری و تحقق کرامت انسان هاست و نیز حفظ و صیانت از حقوق افراد است بطوری که انسان کرامت خود را در آن احساس کند اما قتل، غارت، تکفیر، ترور و تسلط و سیطره بر اموال عمومی و ثروت های ملت ها از رفتارهای دینی و مورد تایید ادیان نیست هر چند که با نام دین و دفاع از آن

ص: 14

1- جائیه آیه 13

صورت پذیرد، چراکه فلسفه تشریح ادیان آسمانی برای حفظ انسانیت انسان و کرامت و سعادت اوست.

از امیرالمومنین (علیه السلام) روایت شد که فرمودند: «يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: يَا بَنَ آدَمَ، لَمَ أَخْلَقْتُكَ لِأَرْبَحَ عَلَيْكَ، إِنَّمَا خَلَقْتُكَ لِتَرْبَحَ عَلَيَّ، فَاتَّخِذْني بَدَلًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، فَإِنِّي ناصِرٌ لَكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» خداوند متعال می فرماید تو را نیافریدم تا سود کنم تو را آفریدم تا از من سود ببری، پس من را نسبت به همه چیز مقدم بدار تا تو را از هر چیز یاری کنم.

اهداف قرآن در بیان این حقیقت:

1- تاسیس این قاعده به جهت آن است که تمام قوانین و مقررات بر اساس آن تنظیم و وضع شوند و آن قاعده (کرامت انسان) فوق تمام آنها است حتی آموزه‌های دینی نیز باید بر این قاعده استوار باشند. پس هر قانون و مقرراتی که منافات با این قاعده داشته باشد باید لغو و ابطال یا تصحیح شود.

2- اعتماد به نفس در سایه ی آگاهی و شناخت انسان از خود، که از چه رتبه و جایگاهی در نزد خداوند متعال برخوردار است حاصل می شود، و نیز آگاهی از اینکه خداوند چه چیزی را برای او اراده کرده است تا بتواند در سایه ی خود را بیابد و از پاکی و طهارت خود نگاهداری

ص: 15

کند، و همچنین خود را به امور ناچیز و بی قیمت نفروشد، همانگونه که در روایت است: (مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَتُهُ) هر کس نفس خویش را گرامی دارد شهوات نزد او پست می شوند. پس اگر انسان خود را شناخت و به این حقیقت، معرفت پیدا کرد اعتماد به نفس پیدا می کند و این آگاهی و شناخت به ثبات و پایداری شخصیت او که یکی از راه های تربیتی صحیح است کمک می کند.

3- این آیه نیز عتاب و سرزنش را در خود دارد که انسان را به خاطر تمرد و عصیان در برابر خداوند توبیخ می کند خداوند که او را به بهترین شکل تکریم و محترم شمرد و او را به انواع نعمت ها بهره مند ساخت؛ اما انسان به اندازه آنچه که خداوند از مادیات به او داد سپاس گذاری نکرد: (فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ (1)) اما انسان هنگامی که پروردگارش او را برای آزمایش، اکرام می کند و نعمت می بخشد (مغرور می شود و) می گوید: پروردگرم مرا گرامی داشته است! و هنگامی که برای امتحان، روزیش را بر او تنگ می گیرد

ص: 16

(مأیوس می شود و) می گوید: پروردگارم مرا خوار کرده است!

این کرامت هدیه ای از جانب خداوند متعال است و انسان یا تمام توان و تلاش خود را در صیانت و محافظت از آن بکار می گیرد و یا نسبت به آن بی تفاوت می شود (وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ (1)) و هر کس را خدا خوار کند، کسی او را گرامی نخواهد داشت!

لذا انسان خود باید کرامت خود را گرامی بدارد و از آن محافظت کند و نیز به همان اندازه کرامت دیگران را گرامی بدارد و نباید از گرامیداشت کرامت خود کوتاه بیاید و حاضر به ذلت شود و از حقوق انسانی خود بگذرد در حدیثی امام صادق (علیه السلام) می فرماید:
(إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَوَضَّ إِلَى الْمُؤْمِنِ كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا إِذْلَالَ نَفْسِهِ) خداوند متعال

همه امور را به بنده مومن خود تفویض فرمود مگر خواری و ذلت نفس خود را. و نیز در حدیث دیگری می فرماید:

(لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَذِلَّ نَفْسَهُ) شایسته نیست مومن خود را ذلیل کند. عرض شد: چگونه خود را ذلیل می کند؟ فرمود: (تَعَرَّضُ لِمَا لَا يُطِيقُ) خود را وارد امری کند که از عهده آن بر نیاید. و در جای دیگری آمده که فرمود: وارد امری شود

ص: 17

که بعد از آن (به دلیل ناتوانی در انجام آن) عذر خواهی کند.

اهل بیت (علیهم السلام) همواره ما را به حفظ کرامت و عزت نفس انسانی مان سفارش می کنند و از هر آنچه که با آن در تعارض و منافی آن است هر چند که به نظر خوشایند یا مطابق میل و خواست نفس باشد برحذر می کنند. امیر مومنان (علیه السلام) می فرماید: (أَكْرِمُ نَفْسَكَ عَنْ كُلِّ دَيْئَةٍ وَإِنْ سَأَقْتِكَ إِلَى رَغْبَةٍ، فَإِنَّكَ لَنْ تُعْتَصِرَ بِمَا تَبْذُلُ مِنْ نَفْسِكَ عَوْضًا وَلَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا) از هر امر پست نفس خود را باز دار هر چند میل نفسانی به آن داشته باشی، زیرا آنچه که از نفس خود در برابر آن هزینه کنی قابل جبران نیست و بنده دیگران نباش در حالی که خداوند تو را آزاده قرار داد.

حقوق فطری و کرامت انسانی

کرامت انسانی با استیفاء حقوق فطری همچون آزادی و امنیت و آرامش و رفاه و هر آنچه که لازمه زندگی با کرامت است مهیا می گردد و این کرامت با دو امر تکمیل می گردد:

1- التزام به دین، امیر مومنان (علیه السلام) می فرماید: (إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَكْرَمَكَ بِدِينِهِ، وَخَلَقَكَ لِعِبَادَتِهِ، فَأَنْصِبُوا أَنْفُسَكُمْ فِي

أداء حَقِّهِ) خداوند تو را با دین خود گرامی داشته است و برای عبادت خود آفرید پس خود را وقف ادای حق خداوند کنید. و نیز در روایت دیگری می فرماید: (كُلُّ عَزٍّ لَا يُؤَيِّدُهُ دِينَ مَدَلَّةً) هر امری که دین آن را تأیید نکند خواری و مذلت است.

2- اطاعت از امامت حقیقی و رهبران راستین، که برگزیده خداوند متعال باشند. خداوند در قرآن می فرماید:

(يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ ^{صَلَّى} فَمَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا (1)) (به یاد آورید) روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می خوانیم! کسانی که نامه عملشان به دست راستشان داده شود، آن را (با شادی و سرور) می خوانند؛ و بقدر رشته شکاف هسته خرمایی به آنان ستم نمی شود! و این گواهی است بر اینکه کرامت و عزت انسانی با تبعیت و اطاعت از امام حقیقی در ارتباط، و منوط به آن است.

خداوند متعال بندگان با کرامت خود را اینگونه توصیف می کند: (بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ لَا يَسْتَبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ (2)) آنها بندگان شایسته اویند هرگز در سخن بر او پیشی نمی گیرند؛ و (پیوسته) به فرمان او عمل می کنند.

ص: 19

1- اسراء آیه 71

2- انبیاء آیه 26

ویژگی های آنان: دوری و اجتناب از شهوات که انسان اطاعت را به ذلت و اهانت و حقارت نفس می کشاند و

دائم از خداوند متعال، این صفات پسندیده باعث شد که به این درجه از مقام نزد خداوند برسند: (یا لَیْتَ قَوْمِی یَعْلَمُونَ بِمَا عَفَرَ لِی رَبِّی وَ جَعَلَنِی مِنَ الْمُکْرَمِینَ⁽¹⁾) ای کاش قوم من می دانستند که پروردگارم مرا آمرزیده و از گرامی داشتگان قرار داده است!

انسان وقتی به کرامت دیگری اعتدا و تجاوز می کند و عزت و کرامت او را لگدمال و از او سلب می کند که خود با تبعیت از نفس اماره و شهوات حیوانی و بندگی نفس خود، کرامت و عزت نفس خود را از بین برده و از دست

داده است امام هادی (علیه السلام) می فرماید: (مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ) هر آنکس که خود را خوار نمود از شر او ایمن مباش. و رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز می فرماید: (أَذُلُّ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ) خوارترین مردم کسی است که دیگران را خوار و تحقیر کند.

کرامت و عزت مردم تحقق پیدا نمی کند مگر با برپایی حکومت و دولت انسان، و آن زمانی تحقق پیدا می کند که بر اساس قانون عادلانه و با رهبری حکیم و با کرامت، زمانی

ص: 20

که اینگونه دولتی که حافظ حقوق و کرامت مردم و بر اساس ارزش های والای انسانی ایجاد شود بعد از آن می توان گفت که این دولت و حکومت بهتر و با ارزش تر از دولتی که بر اساس صرف قانون است می باشد. زیرا زمانی که قانون صالح نباشد و بر اساس منافع و مصالح گروهی و یا با تنگ نظری وضع شود اینگونه قانونی ضامن سعادت

بشر نیست پس زمانی می توان قانون را صالح دانست که حامی و حافظ کرامت انسان باشد لذا می بینیم در دعایی

که اهل بیت (علیهم السلام) به شیعیانشان آموزش دادند چگونه به کرامت اشاره می کند: (اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ) و دولتی که بر اساس کرامت انسانی استوار نباشد به بی راهه می زند و سر انجام آن استبداد و سیطره افراد فاسد و ناشایست و چپاول و دست اندازی به اموال مردم و آزادی دیگران را محدود کردن و محروم کردن آنان از زندگی با کرامت و عزت است.

ای مومنان:

حرکت و نهضت و واکنش حضرت زهرا (سلام الله علیها) در زمان خود و در یک مرحله کاملاً استثنائی برای رهبری تمام بشریت بود (كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ) آن مرحله از تاریخ که حضرت (سلام الله علیها) دوگانگی میان دو خط و راهی که

ص: 21

کرامت و عزت انسانی که خداوند متعال به بشر ارزانی داشت را گرامی و محترم می دانست و میان خط و راهی

که ذلت و خاری و انحراف را که در طول زمان بیشتر می شود را با نهضت و قیام خود روشن و تبیین کرد.

در آن فضای پر خطر، نهضت و قیام حضرت زهرا (سلام الله علیها) برای حفظ و صیانت از کرامت انسانی بود که پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله) از جانب خداوند متعال برای انسان آورده بود می باشد، دوران زندگانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای طهارت و پاکی جان های تمام افراد امت از رسوبات جاهلیت و عصبیت کافی نبود هرچند که بت هایی که در کعبه نصب شده بودند در روز فتح مکه شکسته شد اما بت های داخلی و نفس های اماره به سوء که در جهل و تعصب و خودخواهی مانده بودند و رفتارهای آنان بر اساس آن ها صورت می گرفت شکسته نشدند، قیام حضرت صدیقه (سلام الله علیها) در راستای همان رسالتی که برای تطهیر و تزکیه جان امت و برای آزادی انسان و کرامت او بوسیله وجود مبارک رسول اعظم (صلی الله علیه و آله) بود صورت گرفت.

از مهمترین مظاهر و نشانه های زندگی با کرامت انسانی که حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در قیام و نهضت خود از آن دفاع کرد استمرار و ادامه دولت انسانی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

آن را تاسیس کرد و ضامن بقای آن را با رهبری الهی که از سوی پروردگار منصوب گشت که همان امیرمؤمنان علی

(علیه السلام) می باشد است آن حضرت (سلام الله علیها) تحقق زندگی با کرامت را در سایه دولت الهی آن امام و اطاعت از فرامین او امکان پذیر می دانست و فرمود: (لَسَارَ بِهِمْ سَدِيرًا سَدُّجًا - لَا يَكُلُّمُ حَشَاشَهُ وَلَا يَكِلُّ سَائِرَهُ وَلَا يَمَلُّ رَاكِبُهُ وَلَا أَوْرَدَهُمْ مِنْهَا نَمِيرًا صَافِيًا رَوِيًّا تَطْفَحُ صَدْمَتَاهُ وَلَا يَتَرْتَقُ جَانِبَاهُ وَلَا أَصْدَرَهُمْ بَطَانًا وَنَصَحَ لَهُمْ سِرًّا وَإِعْلَانًا وَلَمْ يَكُنْ يَتَحَلَّى مِنَ الدُّنْيَا بَطَانِلًا وَلَا يَحْطِي مِنْهَا بِنَانِلٍ غَيْرَ رِيِّ النَّاهِلِ وَشَبَعَةَ الْكَافِلِ) آنها را به نرمی و ملایمت به سوی سر منزل مقصود سیر می داد سیری که هرگز آزار دهنده نبود نه مرکب شد ناتوان می و نه راکب خسته و ملول، و سر انجام آنها را به سر چشمه زلال و گوارا وارد می ساخت نهی که دو طرفش مملو از آب بود آبی که هرگز ناصاف نمی شد سپس آنها را پس از سیرایی کامل باز می گرداند و سر انجام او را در پنهان و آشکار خیرخواه خود می یافتند.

و در مقابل، آنها را از دور شدن از راه و مسیر کرامت الهی برحذر و هشدار می داد و فرمود: «وَأَبَشِّرُوا بِسَيْفٍ صَارِمٍ وَسَطْوَةٍ مُعْتَدِ غَاشِمٍ وَبِهَرَجٍ شَامِلٍ وَاسْتِتْدَادٍ مِنَ الظَّالِمِينَ، يَدْعُ فَيْئَكُمْ زَهِيدًا وَجَمْعَكُمْ حَصِيدًا، فَيَا حَسْرَةً لَكُمْ وَأَنْتِي بِكُمْ وَقَدْ عَمِيَتْ» «عَلَيْكُمْ أَنْ نُلْزِمُكُمْوهَا وَ أَنْتُمْ لَهَا

کارهون» و شادمان باشید به شمشیرهای برنده، و سلطه تجاوزگران ستمگر و خونخوار، و هرج و مرج فراگیر، و حکومتی مستبد از ناحیه ظالمان، حکومتی که ثروت های شما را بر باد می دهد و جمعیت شما را درو می کند. اسفا بر شما، چگونه امید نجات دارید در حالی که حقیقت بر شما مخفی مانده و از واقعیت ها بی خبرید؟ (آیا ما می توانیم شما را به پذیرش این دلیل روشن مجبور کنیم با اینکه شما کراهت دارید).

این جنگ ها و چپاول و غارت اموال مردم و هرج و مرج و استبداد و نا امنی سر انجام عدم برپایی حکومت و دولت کریمه است.

ای عزیزان:

آن اموری که حضرت زهرا (سلام الله علیها) امت را از آن بر حذر می کرد را امروزه به خوبی می بینیم پس اینگونه باید در

گفتار ایشان تدبیر کرد و مشکلات جامعه خود را با آنها بر طرف کرد و برنامه های درست و سازنده را برای زندگی

خود پی ریزی کرد پس نباید به ذکر مصیبت و مظلومیت آن بانو (سلام الله علیها) اکتفا کرد که این جفا و کم لطفی به ایشان است و باید

اهداف آنحضرت را از قیام و نهضت را فهمید و درک کرد حرکت ایشان در ادامه و راستای حرکت پیامبر

ص: 24

(صلی الله علیه و آله) و امام علی (علیه السلام) در برپایی و استقرار و استمرار حکومت و دولت کریمه که بر اساس ارزش های والای انسانی که حقوق و کرامت او در قوانین و مقررات رعایت شود بود و از هر گونه ظلم و استبداد و جهل و چپاول بدور بود پس هر کس به اندازه توان خود باید در تحقق اهداف حضرت زهرا (علیها السلام) مشارکت کند و سهمی داشته باشد.

ما در این برهه از تاریخ بشری که برهه ویژه ای است و در آن آزادی نسبی در عقیده وجود دارد زندگی می کنیم و

به عقیده ای ایمان داریم که در طول تاریخ با آن دشمنی شده و برای از بین بردن آن تلاش فراوان صورت گرفته و

پیروان آن به دلیل پیروی از آن رنج ها و شکنجه ها دیده اند تا به دست ما دست ما رسیده است. پس بر ما لازم است که برای استمرار آن تلاش و کوشش کنیم و نقش بسزایی از خودمان نشان دهیم و زندگی خودمان را بر اساس آن طراحی کنیم و اجازه ندهیم دیگران برای زندگی ما برنامه و طرح بریزند و ما را بر اجرای آن وادار کنند، ما به این توفیق دست نخواهیم یافت مگر با عنایت و توجهات باری تعالی.

در میان دیگر بیانات معظم له می توان همین اندیشه و رهیافت به معارف والای انسانی و الهی دین مبین اسلام،

و مصادیقی از کرامت انسان در برخی از اندیشه های اسلامی و انسانی در اندیشه های مرجعیت را یافت که در ادامه بدان اشاره می شود.

ص: 26

اشاره

دموکراسی و انتخابات در عصر حاضر را می توان از دیگر مصادیق حقوق بشر، که در سایه آن بتوان کرامت

انسانی را پاس داشت به شمار آورد؛ در همین راستا دیداری با معظم له از سوی برخی موسسات (1) صورت گرفت که در آن به این مسئله پرداخته شد و از حقوق بشر و کرامت انسانی سخن به میان آمد و پرسش و پاسخی رد و بدل شد که به مناسبت وحدت موضوعی آن با موضوع کتاب پیش رو یعنی کرامت انسان، آن را در این قسمت به عرض خواننده گرامی آورده شد.

سوال نخست

اشاره

تعریف شما از دموکراسی و اصول حقوق بشر چیست و آیا این دو مساله از ابداعات تمدن غربی است یا آن که شریعت اسلامی در طرح و تعمیق این مفاهیم پیشی گرفته است؟

پاسخ

می بایست تعریف دموکراسی را به کسانی که این واژه را وضع کرده اند، واگذار کرد. چه آن که مسئولیت ما صرفاً در خصوص مفاهیم مرتبط با پارادایم خودمان و شرح اصطلاحاتی که خودمان وضع می کنیم هستیم. ولی از آن

ص: 27

1- در دیدار با اعضای یکی از موسسات فرهنگی کربلای مقدس.

جا که ملت‌ها با تجارب یکدیگر آشنا شده و از دستاوردهای یکدیگر بهره می‌گیرند و در نتیجه تمدن‌ها کامل‌تر می‌شوند، می‌توانیم از این زاویه به بررسی اصطلاح دموکراسی بپردازیم.

دموکراسی دو معنا و یا دو میدان عمل دارد که یکی مردود و دیگری مورد قبول است. بدین معنا که گاه از مفهوم دموکراسی حاکمیت مردم (آن گونه که از آن به منبع قدرت بودن مردم تعبیر می‌کنند) اراده می‌شود که در آن در صورتی که اکثریت مردم به امری (حتی ازدواج همجنس‌گرایان، جواز مرگ از روی ترحم، مباح بودن روابط جنسی زن در خارج از چارچوب روابط زناشویی، مساوات زن و مرد در ارث و...) رضایت دادند، چنین امری تبدیل به قانون شده و مورد اجرا قرار می‌گیرد.

طبیعتاً چنین مفهومی از دموکراسی در اسلام رد می‌شود. چرا که مطابق آیات ذیل، حاکمیت فقط از آن خداوند تبارک و تعالی است:

- «أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ». آیا آنها حکم جاهلیت را (از تو) می‌خواهند؟! و چه کسی بهتر از خدا، برای قومی که اهل یقین هستند، حکم می‌کند؟ (المائدة: 50)

- «وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ.» و هر کس به احکامی که خدا نازل کرده حکم نکند، ستمگر است. (المائدة: 45)

- «وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الفَاسِقُونَ.» و کسانی که بر طبق آنچه خدا نازل کرده حکم نمی کنند، فاسقند. (المائدة: 47)

- «وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الكَافِرُونَ.» و آنها که به احکامی که خدا نازل کرده حکم نمی کنند، کافرند. (المائدة: 44)

- «فَلَا- وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيماً.» به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند؛ و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند؛ و کاملاً تسلیم باشند. (النساء: 65)

در نتیجه، هیچ کسی حق ندارد که قانونی بر خلاف شریعت خداوند متعال وضع نماید و قوای سه گانه (مقننه،

مجریه، و قضائیه) نیز مکلف هستند که در ذیل این اصل، صلاحیت ها و حدود اختیارات خود را درک نمایند.

گاه نیز مراد از دموکراسی، سازوکاری است که بر اساس آن مردم رهبران و حاکمان خود را انتخاب می نمایند. چنین معنایی از دموکراسی البته مورد اشکال نخواهد بود. چرا که خداوند متعال نیز تدبیر امور خلق را به خودشان واگذار نموده است و لذا مردم خود سازوکار مناسب با امورشان را مطابق آیه 38 سوره شوری (وَأْمُرْهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ) بر می گزینند. در این آیه شریفه از ضمیر «هم» استفاده شده است تا این معنا را افاده کند که تدبیر امور زندگی، به خود مردم بازگشته و به ایشان موکول شده و جزئیات این مساله در اختیار خودشان است. مساله ای که فقها از آن به «منطقه فراغ» یاد کرده اند که البته به معنای فراغ حقیقی نیست بلکه بدان معناست که شارع مقدس، حدود و چارچوب کلی تدبیر حیات فردی و اجتماعی را وضع نموده است ولی جزئیات آن را به امت وا گذاشته است تا خود روش مناسب را انتخاب نمایند.

به عنوان نمونه از باب حفظ نظم اجتماعی، ساخت راه و جاده میان نجف و بغداد مطلوب شارع است ولیکن این

که این جاده چندباند باشد و یا این که در میانه راه از حله عبور کنند یا کربلا و اموری از این دست، در اختیار نماینده منتخب مردم و وکلای ایشان خواهد بود.

حقیقت آن است که اصول و مبادی این قسم از دموکراسی (یعنی احترام به اراده مردم و رجوع به آن برای تعیین سرنوشت) اولین بار توسط اسلام وضع شده است و رهبران اسلامی نیز در نهایت وضوح و صراحت به همین طریقه عمل می نمودند. به عنوان مثال در سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ذکر شده است زمانی که ایشان با جمعی از مسلمین بدون هیچ گونه آمادگی رزمی برای رهگیری قافله تجاری قریش، از مدینه خارج شده و به کاروان قریش رسیدند، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از صحابه خود در خصوص وارد شدن در جنگ یا بازگشت به مدینه مشورت خواستند. همچنین ایشان (صلی الله علیه و آله) در جنگ احد در خصوص نبرد در داخل خیابان ها و کوچه های مدینه و یا نبرد در خارج از شهر با صحابه خویش مشورت نمودند و همچنین در نبرد احزاب با یاران خویش مشورت نموده که سلمان فارسی ایده خود برای حفر خندق را مطرح کرد.

فراتر از این و حتی در اصل مساله رهبری امت نیز پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) [که خود سید مخلوقات، فرستاده و رحمتی برای جهانیان و سزاوارتر از مومنان به جانهایشان بودند] تا زمانی که مردم مدینه از ایشان درخواست مهاجرت به مدینه را نکردند، دولت کریمه خود را در مدینه تاسیس نکرده و صلاحیت های مرتبط با جایگاه رهبری

خویش را نیز اعمال نفرمودند. همچنین امیر مومنان علی (علیه السلام) نیز که به نص فرمان الهی و به عنوان خلیفه پس از پیامبر منصوب گردیده بودند، زمانی اقدام به زعامت و رهبری جامعه فرمودند که گروه عظیمی از بیعت کنندگان بر منزل ایشان سرزیر شده و بر امر امامت ایشان اجماع نمودند. زعامتی که حضرتش از آن بی نیاز بوده و در همین خصوص در خطبه شقشقیه فرمودند: (لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ، وَقِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ... لِأَلَقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَي غَارِبِهَا) اگر حضور حاضر، و تمام بودن حجت بر من به خاطر وجود یاور نبود... دهنه شتر حکومت را برکوهانش می انداختم.

در ذیل این مساله درک می نمایم که ولایت امور امت نه با ادعا و نه با سلطه گری و نه با زور ممکن است بلکه تنها با اراده امت و با سازوکاری است که خودشان وضع می نمایند. در نتیجه ولی امر مسلمین و دیگر مناصب و مسئولیت های امت را جمعی از مجتهدین خبره و چهره های نزدیک به ایشان (از حیث علم، فضیلت، ورع و ترک دنیا) انتخاب می نمایند.

اما در خصوص حقوق بشر نیز اسلام پیشگام و موسس این مساله بوده است و رهبران اسلام نیز خود به آن ملتزم بوده و فراتر از آن در طول حیات مبارک خویش، بهترین

حالات التزام به آن را ترسیم نموده اند: (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا) ما فرزندان

آدم را گرامی داشتیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده، ایم برتری بخشیدیم (الإسراء: 70) کتاب های

حدیثی مملو از این آموزهها هستند. به عنوان مثال ر.ک: کتاب وسائل شیعه، ج 8 کتاب آداب معاشرت و رساله

حقوق امام سجاد (علیه السلام) و نامه امیرالمومنین علی (علیه السلام) به مالک اشتر آن گاه که وی را به ولایتعهدی مصر برگزید. در بخشی از این نامه آمده است: (وَأَسْتَشْعِرُ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ فَإِنَّهُمْ صِدْقَانِ إِمَّا أَخُ لَكَ فِي الدِّينِ ، أَوْ نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ) و با مردم با مهربانی برخورد کن چرا که ایشان دو دسته: اند یا برادر دینی تو و یا همانند تو در خلق!

براستی کدامین رهبر از رهبران دولتهای جهان که مدعی دموکراسی و دفاع از حقوق بشر هستند همچون رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در جمع صحابه خود می فرماید: (يُوشِكُ أَنْ أُدْعَى فَأَجِيبَ فَمَنْ كَانَتْ لَهُ كَانَتْ لَهُ قَبْلِي مَظْلَمَةٌ فَلْيَقْتَصَّهَا مِنِّي قَبْلَ الْقِصَاصِ فِي الْإِلَهِيِّ الْعَادِلِ) وزمانی که یکی از اصحاب برخاسته و میگوید در یک روز که ازدحام مردم در اطراف شما زیاد بود و شما چوبدستی خود را بالا بردی تا شترت را به حرکت درآوری، از روی خطا چوب به من برخورد کرد. در این هنگام رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درخواست کرد

تا چوب بیاورند و سپس موضع قصاص در بدن خویش را آشکار ساخته و از صحابه خود درخواست قصاص نمودند.

پیامبری که حتی نسبت به حقوق حیوانات نیز حساس بودند و زمانی که یکی از صحابه خود را مشاهده نمودند که برای سر گرمی مشغول شکار گنجشک بود، به وی فرمودند: (اَسَدٌ تَعَدُّ لِمَسَاءِلِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَإِنَّهُ يَخَاصِمُكَ أَمَامَ رَبِّ الْعِزَّةِ وَالْجَلَالِ وَيَقُولُ : رَبُّ اسْأَلُهُ لِمَاذَا قَتَلْتَنِي وَ هُوَ لَا يَنْتَفِعُ بِلَحْمِي) خودت را برای بازخواست او از تو در نزد خداوند متعال آماده ساز، که او عرضه می دارد: پروردگارا از او پرس که چرا در حالی که از گوشت من بهره ای نمی برد مرا گشت.

یا کدامیک از رؤسای مدعی رعایت حقوق بشر (که روزانه از عملکرد بد و خائنانه و تصرف غیر مشروع در اموال عمومی را می شنویم) مانند امیر المومنین (علیه السلام) پس از چهار سال تصدی حکومت وسیع و پر دامنه بر فراز منبر کوفه بایستد و به مردم بگوید: (إِنْ خَرَجْتَ مِنْكُمْ بِغَيْرِ الْقَطِيفَةِ الَّتِي جِئْتُمْ بِهَا مِنَ الْمَدِينَةِ فَأَنَا خَائِنٌ) اگر مرا با غیر از آنچه با خود از مدینه آوردم خارج شوم (برگردم) مرا خائن بدانید.

سخن در این خصوص گسترده و فراوان است که آن را

به مناسبت های دیگر واگذاشته و به نویسندگان و متفکران وا می نهم.

پرسش دوم

اشاره

پاسخ شما نسبت به این گفته که بر اساس آیه هفتم سوره حشر که می فرماید: (وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا) دموکراسی در اسلام وجود ندارد. چرا که بر این اساس اراده فردی در یک چارچوب کلی از ضوابط و

تکالیف ذوب شده و در نتیجه مجالی برای آزادی های فردی باقی نمی ماند.

پاسخ

پاسخ به این ادعا آن است که چنین نظری در خصوص نظام اسلامی، ابر و ناقص و مصداق این آیه شریفه 85 از

سوره بقره است که: (أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ) چرا که همان طور که آیه هفتم سوره حشر در قرآن

وجود دارد، آیه 38 سوره شوری (وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ) و نیز آیه 159 سوره آل عمران (وَ شَاوِرُهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ) نیز در قرآن وجود دارند. در نتیجه موجودیت فرد، آزادی وی و نظری در ضمن یک چارچوب کلی - که شریعت آن را انتظام می بخشد- مورد احترام خواهد بود. به طور قطع تمامی انسان های متمدن بر ضرورت وجود یک قانون اساسی که شامل اصول و مبانی

ص: 35

کلی مورد اتفاق امت بوده و نیز مرجعی برای قوانین جاری است، توافق نظر دارند. قانونی که کوتاهی در انجام آن مجاز نخواهد بود، چرا که نفع و سود آن برای همه است و بدون آن، قانون جنگل بر امت حاکم می‌گردد.

اساساً فرق میان نظام اسلامی و نظام پوزیتیویستی آن است که قانون اساسی اسلام از شریعت الهی نازل شده از سوی پروردگار بشر اخذ شده است. خداوندگاری متعال که عادل، مهربان، کامل و آگاه به سرنوشت بشر است و شریعت را برای خوشبخت سازی انسان‌ها و تضمین رستگاری و پیروزی ایشان نازل نموده است.

اما نظام پوزیتیویستی، ساخته دست بشر قاصری است که عموماً محکوم هوای نفسانی خویش بوده و نسبت به ماهیت و حقیقت خود نیز جاهل است چه رسد به این که از حقیقت هستی پیرامون خود آگاه شود.

پرسش سوم

اشاره

به نظر شما آیا مقتضای دموکراسی و آزادی در عقیده آن است که شهروند عراقی می‌تواند به هر عقیده، مفهوم، رسوم و سنتی که دوست داشت، باور داشته باشد یا آن که اقتضای این دو با برخی از گزینه‌های رایج در سطح کشور، چارچوب بندی و محدود شده است؟

ص: 36

به مقتضای آیات ذیل، هر انسانی از حق آزادی اعتقاد برخوردار است:

1- (فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمَرْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ)... هرکس می خواهد ایمان بیاورد (و این حقیقت را پذیرا شود)، و هر کس می خواهد کافر گردد. (الکهف: 29)

2- (إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا). ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد و پذیرا گردد یا ناسپاس (الإنسان: 3)

3- (لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ). تا آنها که گمراه می شوند، از روی اتمام حجت باشد: و

آنها که هدایت می یابند، از روی دلیل روشن باشد. (الأنفال: 42)

در نتیجه انسان در انتخاب عقیده خود و سبک زندگی اش آزاد است. چرا که اگر این آزادی فراهم نباشد، ثواب و عقاب بی فایده بوده و نه نیکوکار اجری بر عمل نیکوی خود خواهد برد و نه گنهکار مستحق مجازات بر اقدامات سوء خود خواهد بود. پس روشن است که آزادی عمل انسان، شرط اساسی ثواب و عقاب است. در نتیجه والی و حاکم اجازه ندارد مردم را بر این که مومن باشند، وادار سازد. بلکه وظیفه وی نزدیک ساختن مردم به اطاعت

خداوند متعال از طریق افزایش فرصت‌ها، آسان‌سازی آن‌ها، بیان حقیقت امور در دو عالم و در نهایت برکنار داشتن ایشان از معصیت الهی از طریق مسدود ساختن روزه‌های گناه خواهد بود.

امیر المومنین علی (علیه السلام) رئیس یک حکومت بزرگ بود و با این حال در میان رعایای حضرت، افراد غیر مسلمان نیز وجود داشتند و شخص حضرت خود متکفل امور ایشان بودند. همچنین برخی از اهالی مدینه همچون عبدالله بن عمر، سعد ابن ابی وقاص و... از بیعت با ایشان امتناع کردند و با این حال و علیرغم آن که با تمامی معیارها حاکمیت ایشان صحیح و الزام‌آور بود، حضرت (علیه السلام) از اجبار ایشان به بیعت امتناع ورزید. نهایت مطالبه حضرت از آن‌ها این بود که از دامن زدن به فساد و فتنه در میان امت پرهیز نمایند.

نیز توجه به این مساله مهم است که اگر رهبران اسلام اقدام به حمل شمشیر نموده و در کارنامه حیاتشان جنگ‌هایی نیز مشاهده می‌شود، این نه از باب واداشتن مردم به ایمان آوردن که از باب پایان بخشیدن به فتنه‌ها و برداشتن موانعی بود که مردم را از انتخاب عقیده صحیح باز می‌داشت.

ص: 38

پاسخ شما به کسانی که مدعی آن هستند که اسلام ناقض حقوق زنان و منادی عدم مساوات میان زن و مرد است، چیست؟ و همچنین آن که از دیدگاه شما حدود تصدی مناصب و مسئولیت های عمومی و از جمله تصدی امر قضاوت توسط زنان چیست؟

این از جمله شبهاتی است که دشمنان اسلام با هدف گمراه ساختن مردم و ایجاد نفرت از اسلام در میان زنان و با

طرح شبهه ظالمانه بودن احکام اسلامی علیه زنان همواره آن را بازنشر می دهند. البته این حمله همه جانبه پس از ورود اشغالگران به خاک عراق و بازشدن میدان و مجال برای همه رویکردها و از جمله جریان اباحه گری تشدید شده است. از همین رو و با هدف خنثی ساختن موج تبلیغات ضد دینی در این خصوص، اقدام به تالیف کتابی نمودیم که در آن فلسفه قوانین مرتبط با حوزه زنان را توضیح نموده و تبیین کرده ایم. به گونه ای که خواننده در آن به وجود مساوات در حقوق و تکالیف میان زن و مرد پی می برد. چه آن که خداوند متعال در آیه 195 سوره آل عمران فرموده است: (فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ) پروردگارشان، درخواست آنها را

پذیرفت (و فرمود:) من عمل هیچ کسی از شما را، زن باشد یا مرد، ضایع نخواهم کرد... همچنین همین مضمون نیز در آیه 30 سوره کهف مورد تاکید قرار گرفته است که: (إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا) به یقین ما پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهیم کرد.

بله مساوات وجود دارد ولیکن این بدان معنا نیست که میان ایشان همانندی و مشابهت نیز در تکالیف وجود دارد. چرا که ساختار روحی، روانشناختی و اجتماعی هر یک از آن دو متفاوت است. برای تقریب به ذهن این مثال را ذکر می نمایم که اگر شخصی بخواهد اموالش را میان سه فرزندش تقسیم نماید و اموال وی یک میلیون دینار پول نقد،

کارخانه ای به قیمت یک میلیون دینار و مزرعه ای به قیمت یک میلیون دینار باشد، و در این میان یکی از فرزندان در

کار تجارت خیره باشد و دیگری در کار صنعت و فرزند سوم در کار کشاورزی مهارت داشته باشند و پدر بدون لحاظ این

ویژگی ها اقدام به تقسیم اموال خود نماید، اگرچه چنین اقدامی در واقع مساوات میان فرزندان را لحاظ کرده است با این حال، پدر آن چه را که مناسب هر یک از ایشان بوده است را رعایت نکرده است. وضعیت مرد و زن نیز همین

گونه است. چرا که ایشان اگر چه از حیث مسئولیت و حقوق برابر هستند با این حال توزیع آن دو صرفاً بر اساس

لحاظ امر مناسب هر یک صورت می پذیرد. در نتیجه این مساله، حق قیمومت مرد بر زن و حق حضانت برای زن،

تکلیف نفقه زن بر مرد (حتی در فرض بی نیازی زن و ثروتمند بودن وی) و حق ارث دو برابری مرد نسبت به زن از این لحاظ توجیه پذیر است. از این رو مساوات هرگز به معنای اعطای مسئولیت ها و وظایف یکسان میان زن و مرد نیست.

براستی حتی در کشورهای غربی که هوادار دفاع از مساوات میان مرد و زن بوده و به صورت آتشین بر تنور دفاع از حقوق زنان می دمند، آیا زنان آن جوامع حتی پنج درصد از مناصبی همچون ریاست جمهوری، وزارت، فرماندهی نظامی، ریاست دانشگاه ها، مسئولیت اداره بازارها، بورس و شرکت های بزرگ و... که با طبیعت زن سازگار نیستند- را اشغال کرده اند؟

در نتیجه مشاهده می شود که خود ایشان نیز عملاً به این توزیع طبیعی امور گردن نهاده اند ولی با هدف گول زدن افراد ساده و نیز دورساختن امت از عقیده و اخلاق خود، به ترویج این نظریه های غلط می پردازند.

قوانین اسلامی بر اساس این توزیع مسئولیت ها و وظایف بنا نهاده شده است. به عنوان نمونه امر قضاوت که

ص: 41

نیازمند مواجهه گسترده با مردم و بحث کردن های طولانی با ایشان است، با طبیعت و سرشت زن تناسب ندارد و لذا زنان از این مسئولیت معاف شده اند. همچنین ولایت امر امت نیز از این جمله است.

اسلام زنان را به برعهده گرفتن وظایف متناسب با سرشت و طبیعتشان (همانند آموزش، پرستاری، مدیریت خانواده، تربیت نسل و انسان سازی) دعوت نموده است.

ص: 42

سازمان ملل هر ساله روز جهانی حقوق بشر را گرامی می‌دارد، و آن روزی است که این سازمان سند حقوق بشر را در سال 1949 منتشر کرد. این مناسبت در سال 2012 همزمان با ماه محرم و مصادف با سالروز شهادت امام سجاد (علیه السلام) بود و ایشان به همین مناسبت به کرامت انسان و حقوق بشر از با توجه به نهضت امام حسین (علیه السلام) مورد تحلیل و بررسی قرار دادند.⁽¹⁾ و به جمله ای از اصول حقوق بشر و الگوهای انسانی والا که امام حسین (علیه السلام) در نهضت مبارک خود هم در گفتار و هم در رفتار مجسم کرد را به زبان امروزی اشاره کردند. تا بشریت را به این سرچشمه ی زلال و پاک برسانیم که از تمام مقومات تمدن انسانی بهره برد. ارزش های والا و الگوهای عالی که امام سعی در اقامه و نهادینه کردن و دعوت مردم به آنها را بیان کرد.

تعدادی از مواردی که می‌توان از زمره حقوق بشر را در ذیل می‌آوریم و بحث مفصل آن را به زمانی دیگر موکول می‌کنیم.

ص: 43

1- سخنان ایشان (دام ظلّه) در دیدار سالیانه مدیران شعب مؤسسات دینی شهید صدر در نجف اشرف و سایر استهان ها در 27 محرم 1434 مطابق 2012/12/12

اولین و مهمترین و والاترین اصول که انسانیت انسان بر آن نهاده شده آزادی است. مراد از آزادی، آزادی از بندگی غیر خداوند تبارک و تعالی می باشد. که این آزادی با بندگی و اطاعت واقعی از خداوند متعال و با داشتن توحید خالص و اطاعت از کسی که خداوند به اطاعت از وی دستور داده محقق می شود.

آزادی امت از بندگی طاغوت و زنجیرهای وابستگی و اعتماد به دنیا و ضعف همت و آزادی از جهل و نفاق از مهمترین دستاوردهای قیام و نهضت حسینی است. به گونه ای که تا به امروز امام حسین (علیه السلام) سرور آزادگان و سنبل و نماد و رهبر تمام نهضت های آزادی بخش در جهان می باشد و تا قیام قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باقی خواهد ماند. اگر آن حضرت علیه السلام سرشار از معرفت خداوند و مجرد از هر گونه تعلق به جز خداوند نبود، نمی توانست این مساله را به سر انجام برساند و چگونه اینگونه نباشد در حالی که وی به نص قرآن و احادیث نبوی (صلی الله علیه و آله) از اهل بیته است که خداوند نا پاکی را از آنها دور کرده و آنها را پاک کرده است.

وی تمام نهاد و وجودش برای خداوند تبارک و تعالی بود. و کسی که در دعای حضرت در روز عرفه تامل کند ارتباط ایشان با پروردگار، و معارف موجود در آن را، آشکارا

می بیند. و در واقع آن معارف خود وسیله‌ی رسیدن به عبودیت و بندگی حقیقی و توحید ناب است: (كَيْفَ يُسَدِّدُ عَلَيْنِكَ بِمَا هُوَ فِي
وَجُودِهِ مُفْتَعِرٌ إِلَيْكَ ، أَيْ يَكُونُ لِعَيْبِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهِرُ لَكَ ، مَتَى غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ ، وَ مَتَى
بَعُدَتْ حَتَّى تَكُونَ الْآثَارُ هِيَ الَّتِي تُوصِلُ إِلَيْكَ ، عَمِيَتْ عَيْنٌ لَا تَرَكَ عَلَيْهَا رَقِيْبًا ، وَ خَسِرَتْ صَفْقَةً عَبْدٌ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيْبًا) چگونه
بر وجود تو استدلال شود، به موجودی که در وجودش نیازمند به توست؟ آیا برای غیر تو ظهوری هست که برای تو نیست، تا آنان وسیله
ظهور تو باشند؟ کی پنهان بوده‌ای، تا نیازمند دلیلی باشی که بر تو دلالت کند و کی دور بوده‌ای، تا آن آثار واصل کننده‌ی به تو باشند؟
کور باد دیده‌ای که تو را بر آن دیده بان نبیند، و زیانکار باد تجارت بنده‌ای که از محبتت برای او سهمی قرار نداده‌ای. و نیز می فرماید: (وَ
أَنْتَ الَّذِي تَعْرِفُ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ فَرَأَيْتَكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ) .

و امام تا آخرین لحظات زندگی مبارکش اینگونه بود. دعا‌های نقل شده از امام در روز عاشوراء نشانه از این بندگی و ارتباط با پروردگار بوده
است. وی روز عاشوراء زمانی که هر دو سپاه برای جنگ به صف ایستادند به گونه‌ای سخن آغاز کرد که کمال انقطاع به خداوند از آن

به روشنی پیداست. ایشان سخن خود با جماعت را با این دعا شروع فرمود: (اللَّهُمَّ أَنْتَ تَقْتَبِي فِي كُلِّ كَرْبٍ، وَأَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ، وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ ثِقَّةٌ وَعِدَّةٌ، كَمْ مِنْ هَمٍّ يَصَدُّعُ فِيهِ الْفُؤَادُ وَتَقِلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ وَيَخْذُلُ فِيهِ الصَّدِيقُ وَيَسْتَهْمُ فِي الْعَدُوِّ، أَنْزَلْتَهُ بِكَ وَشَكَوْتُهُ إِلَيْكَ، رَغْبَةً مِنِّي إِلَيْكَ عَمَّنْ سِوَاكَ، فَفَرَّجْتَهُ وَكَشَفْتَهُ، فَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَصَاحِبُ كُلِّ حَسَنَةٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ) خداوندا تو ثقه ی من در هر مصیبت هستی و تو امید من در سختی هستی و تو در هر مشکلی که بر من نازل شد، و محل اطمینان و اعتماد من هستی، چه بسیار است قصه و همی که قلب از آن ضعیف شود و چاره در آن کم شود و دوست در آن زمان خیانت کند و دشمن شماتت کند. و من تمامی آن را به تو شکایت کردم. و آن به جهت رغبت من به سوی توست از غیر تو. و تو نیز آن را برطرف ساختی. پس تو ولی من در هر نعمت و صاحب هر امر نیکو و انتهای هر رغبت و میل هستی. حضرت تمامی کارزار یاران خود را ستایش می کرد. به همین دلیل وی مبارزه ی حر ریاحی را بزرگ دانست و آن به دلیل آزادی وی از بندگی طاغوت بود حضرت هنگامی که بر سر حر ایستاد به وی فرمود: (وَاللَّهِ مَا أَخْطَأَتْ أُمَّكَ إِذْ سَمَّيْتَكِ حُرًّا فَأَنْتَ وَاللَّهُ حَرٌّ فِي الدُّنْيَا وَ

سَعِيدٌ فِي الْآخِرَةِ) سوگند به خدا مادرت تو را به خطاء حر ننماید چرا که تو حر در دنیا و سعادت‌مند در آخرت هستی.

عدالت اجتماعی

عدالت بین افراد بدون تفرقه بین آنها بر هر دلیل و اعتباری که باشد. این معنا در سخنان حضرت بسیار بود.

به گونه ای که حضرت از اطاعت سپاهیان دشمن از رهبران‌شان تعجب کرد بدون اینکه آنها این حق را داشته

باشند. در روز عاشوراء رو به سپاهیان کرد و به سرزنش آنها پرداخت و فرمود: (تَبَّأ لَكُمْ أَيُّهَا الْجَمَاعَةُ وَ تَرَحَّأ ! . . . فَأَصَبَّ بِحُتْمِ الْبَا عَلَيَّ أَوْلِيَاءِكُمْ وَ يَدَا عَلَيْهِمْ لِأَعْدَائِكُمْ ، بَعِيرٍ عَدَلٍ أَفْشَوْهُ فِيكُمْ ، وَ لَا أَمَلٍ أَصَبَّ بِحُتْمِ لَكُمْ فِيهِمْ ، إِلَّا الْحَرَامَ مِنَ الدُّنْيَا أَنَالُوكُمْ ، وَ خَسِيسَ عَيْشٍ طَمَعْتُمْ فِيهِ) مرگتان باد و ذلت اندوه قرین تان باد بر ضد دوستان و رهبران خود به پا خواسته اید و برای یاری دشمنانتان آماده شده اید بی آنکه دشمن شما به سوی عدالت گامی بردارد و شما در آنها امیدی ندارید مگر به سوی حرامی که از دنیا سهم شما شده است و زندگی پست و ذلت که به آن دل بسته اید.

و حضرت خواستار توزیع عادلانه ثروت برای مردم بدون استثناء بود و می فرمود نباید مال و ثروت برای هوس و شهوت و کارهای احمقانه هدر رود. ایشان یکی از اهداف قیام خود علیه سلطنت حاکم را اینگونه بیان می کند:

ص: 47

(أَظْهَرُوا الْفَسَادَ وَعَطَّلُوا الْحُدُودَ وَاسْتَأْثَرُوا بِالْفِيءِ) آنها فساد را آشکار و حدود را تعطیل کرده اند و غنائم را به تصرف خود در آورده اند.

برابری و مساوات

برابری و مساوات در حقوق معنوی و مادی، در حقوق معنوی می بینیم که خون اهل بیت نبوت با خون غیر آنها

آمیخته شد. امام حسین علیه السلام همان گونه که بر بالای سر فرزندش علی اکبر شبیه رسول خدا در خلق و خوی و منطق، ایستاد بر سر جون سیاه پوست غلام ابوذر که در حال جان دادن بود ایستاد. همچنین امام از تلاش و

فداکاری تمام یاران خود با جملاتی که حاکی از عظمت و رفعت بود قدردانی کرد.

اما در خصوص حقوق مادی بیشتر بیان کردیم که حضرت تصرف در ثروت های عمومی مردم را نپذیرفت و خواستار رعایت حقوق همه به طور مساوی بود.

عمل به قانون منتخب

عمل به قوانین که امت به اختیار و اراده خود به آن ایمان آورد و خواستار اجرای آن شد. این قوانین برای مسلمانان قرآن کریم و سنت شریف است. حضرت در نامه خود به اهل بصره می نویسد: (وَإِنَّا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ سُنَّةِ نَبِيِّهِ فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيتَتْ وَأَنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أَحْيِيَتْ، وَإِنْ

ص: 48

تَسْمَعُوا قَوْلِي وَتَطِيعُوا أَمْرِي أَهْدِيَكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ) و من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش دعوت می کنم همان سنت کشته، و بدعت زنده گشته است. و اگر سخن مرا بشنوید و امر مرا اطاعت کنید شما را به راه راست هدایت می کنم. حضرت قدرت حاکم بر جامعه را اینگونه توصیف می کند: (لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ وَ تَوَلَّوْا عَنِ طَاعَةِ الرَّحْمَنِ ، وَ أَحَلُّوا حَرَامَ اللَّهِ وَ حَرَمُوا حَلَالَهُ) به اطاعت شیطان ملزم و از اطاعت خداود رحمان دور شده اند حرام خدا را حلال و حلالش را حرام کرده اند. یعنی از قانون (قرآن و سنت) روی گردان شده اند و احکام آن را تغییر داده اند.

اداره امور بوسیله منتخبین ملت

احترام به اراده و خواست امت در سپردن امور خود به کسانی که استحقاق آن را دارند؛ کسانی که با عدالت حکومت کنند و با مظلومان منصف هستند. زندگی را به نیکی آباد و مردم را به خداوند نزدیک می کنند و مانع رسیدن سرکشان و ظالمان که سعی دارند از راه های غیر مشروع مانند: کودتای نظامی و یا با جعل و تزویر و حيله اقدام کنند تا به سلطنت و حکومت برسند. حضرت فرمود: (أَمَّا بَعْدَ أَيُّهَا النَّاسُ : فَإِنَّكُمْ إِن تَتَّقُوا وَ تَعْرِفُوا الْحَقَّ لِأَهْلِهِ يَكُونُ أَرْضَى اللَّهِ، وَ نَحْنُ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ أَوْلَى بِوِلَايَةِ هَذَا الْأَمْرِ عَلَيْكُمْ مِنْ هَؤُلَاءِ الْمُدْعِينَ مَا لَيْسَ لَهُ، وَ السَّائِرِينَ فِيكُمْ

بِالْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ) اما بعد ای مردم: همانا اگر اطمینان کنید و حق را برای اهلش بشناسید این امر برای خداوند مورد رضایت بیشتری است و ما اهل بیت به این امر اولی تر از مدعیان دورغین و کسانی که بر شما ظلم و ستم راندند هستیم.

کرامت و پرهیز از ذلت

از جمله خطبه های حضرت در روز عاشوراء آن است که می فرماید: (أَلَا إِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ، بَيْنَ السُّلَّةِ وَالذَّلَّةِ، وَ هَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ، أَبِي اللَّهِ ذَلِيكَ وَرَسُولُهُ، وَ جُدُودَ طَابَتْ وَ حُجُورَ طَهَّرَتْ، وَ أَنْوَفَ حَمِيَّةَ وَ نُفُوسَ أَيْبَتْ، لَا تُؤْتِي طَاعَةَ اللَّثَامِ عَلَى مَصَارِعِ الْكِرَامِ) همانا زنا زاده فرزند زنا زاده بین دو تا مخیر کرده است بین شمشیر کشیدن و ذلت و هیات که تن به ذلت دهیم. خداوند و رسولش و مومنان و دامن های پاکی که ما را پرورانده است این خواری را برای ما نمی پسندند شخصیت های با حمیت و غیرت هرگز به ما اجازه ندهند که اطاعت فرومایگان را به کشته شدن شرافت مندانه را ترجیح دهیم.

دفاع از حق و مبارزه با ظلم

احقاق حق و یاری آن و ابطال باطل و مبارزه با آن، با تمام وسایل، به مقتضای حکمت و مطابق احکام شرعی، حتی اگر منجر به شهادتش شود. حضرت در این باره می

فرماید: (أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ، وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُتَنَاهَى عَنْهُ، لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ رَبِّهِ مُحِقًّا، فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَ الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمًا) آیا نمی بینید که به حق عمل و از باطل دوری نمی شود مومن باید به دیدار پروردگارش راغب باشد و از جانش بگذرد همانا من مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمکاران را جز بدبختی نمی بینم.

اصلاح طلبی و مبارزه با فساد

اصلاح و از بین بردن فاسد، و یافتن جایگزین مناسب برای تمام امور جامعه اسلامی. این مساله شامل اوضاع سیاسی، اجتماعی، قضایی، اخلاقی و اعتقادی ... است. و آن از راه انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر با تمامی وسایل و در تمام زمینه ها می باشد. حضرت می فرماید: (أَمَّا بَعْدُ فَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَدْ قَالَ فِي حَيَاتِهِ : مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحَرَمِ اللَّهِ ، أَوْ تَارِكًا لِعَهْدِ اللَّهِ ، وَ مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ، فَعَمِلَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ ثُمَّ لَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ بِقَوْلٍ وَ لَا فِعْلٍ ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَدْخَلُهُ . وَ قَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ هَؤُلَاءِ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ ، وَ تَوَلَّوْا عَنْ طَاعَةِ الرَّحْمَنِ ، وَ أَظْهَرُوا الْفُسَادَ ، وَ عَطَّلُوا الْحُدُودَ ، وَ اسْتَأْثَرُوا بِالْفِيءِ وَ أَحَلُّوا حَرَامَ اللَّهِ وَ حَرَمُوا حَلَالَهُ وَ أَنَا أَحَقُّ مِنْ غَيْرٍ) اما بعد دانستید که

رسول خدا در زمان حیات خود: فرمود هر کس سلطان ظالمی بیند که حرام خدا را، حلال و عهد خدا را ترک کرده است و با سنت رسول خدا مخالفت و در بین بندگان خدا با گناه و دشمنی رفتار کند اما نه با گفتار و نه با عمل بر وی اعتراض کند بر خداوند است که او را با آن ظالم از یک درب وارد جهنم . کند و دانستید که آنها ملزم به اطاعت شیطان شده‌اند و از اطاعت خداوند رحمان دوری کرده‌اند، فساد را آشکار و حدود الهی را تعطیل کرده‌اند غنائم را غصب و حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام کردند، در حالی که من به آن به دیگری سزاوارترم.

حضرت در وصیت خود می: نویسد و من از روی خودخواهی و خوشگزرانی و یا برای فساد و ستمگری قیام نکرده‌ام من فقط برای اصلاح امت جدم از وطن خارج شده‌ام میخواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره و روش جدم و پدرم علی ابن ابی طالب عمل کنم.

آزادی بیان و انتخاب

آزادی بیان و تصمیم‌گیری با تمام اختیار و اراده بدون هیچ‌گونه اکراه و اجبار.

در شب عاشوراء دشمن عزم بر جنگ با حضرت دارد در حالی که تعداد آنها به سی هزار نفر رسیده بود و تعداد

ص: 52

یاران حضرت 17 نفر از اهل بیت و هفتاد نفر از اصحابش بود. هر کس در آن موقعیت قرار بگیرد به کدام گروه و

تعداد روی می آورد، می بینیم که حضرت در بین یارانش می نشیند و به آنها می فرماید: (إِنِّي لَا أَحْسَبُ الْقَوْمَ إِلَّا مَقَاتِلَكُمْ عَدَاءً، وَقَدْ أُذِنْتُ لَكُمْ جَمِيعاً، فَأَنْتُمْ فِي حِلِّ مِنِّي وَ هَذَا اللَّيْلُ قَدْ عَشَيْتُمْ، فَمَنْ كَانَتْ لَهُ مِنْكُمْ قُوَّةٌ فَلْيَضْمَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي إِلَيْهِ وَ تَقَرَّفُوا فِي سَوَادِكُمْ) من گمان نمی برم جز این که این قوم فردا با شما به جنگ درآیند و من به تمامی شما اجازه رفتن می دهم و شما را حلال می کنم این شب تاریک پوششی برای شما است پس هر کس می تواند یکی از مردان اهل بیتم را با خود همراه کرده و در تاریکی دور شود.

شفافیت و عدم گمراهی و فریب

از جمله سخنان حضرت (علیه السلام) با یاران خود در حالی که در شب عاشورا آنها را جمع کرده بود تا امور را برای آنها روشن بسازد آنست که می فرماید: (اعْلَمُوا أَنَّكُمْ خَرَجْتُمْ مَعِيَ لِعِلْمِكُمْ أَنِّي أَقْدَمَ عَلَى قَوْمٍ بَايَعُونِي بِالْأَسْبَاطِ نَتَيْهِمْ وَقُلُوبِهِمْ، وَقَدْ انْعَكَسَ الْأَمْرُ بِأَنَّهُمْ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ، وَالْآنَ لَيْسَ لَهُمْ مَقْصِدٌ إِلَّا قَتْلِي وَقَتْلَ مَنْ يُجَاهِدُ بَيْنَ يَدَيِ، وَسُبِّي حَرِيمِي بَعْدَ سَلْبِهِمْ، وَأَخْشَى أَنْ تَكُونُوا مَا تَعْلَمُونَ وَ تَسْتَحْيُونَ، وَ الْخَدَعِ عِنْدَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ مُحْرَمٌ، فَمَنْ

ص: 53

كَرِهَ مِنْكُمْ ذَلِكَ فَلْيَتَّصِرْ) بدانید که شما با من خارج شده اید چرا که دانستید من به سوی قومی می آیم که با می زبان و قلب هایشان با من بیعت کردند و اکنون امر معکوس شده و شیطان بر آنها چیره شده و یاد خدا را از آنها برده است و اکنون آنها هدفی جز کشتن من و کشتن کسی که با من بجنگد، و آواره کردن زنان من پس از غارت آنها ندارند و می ترسم شما ندانسته باشید و شرم کنید؛ و فریب در نزد ما اهل بیت (علیه السلام) حرام است پس هر کسی از شما از این امر اکراه دارد برود.

رحمت و دلسوزی و خیرخواهی

حضرت در نصیحت سپاهیان دشمن تمام سعی خود را کرد و در خطبه های فراوان آنها را دعوت و تمام دلایل محکم و کافی برای منع آنها از ارتکاب این جنایت بزرگ را انجام داد و آنها را به انواع مختلف موعظه کرد. اما آنها همانند آنچه که امام فرموده است بودند: (لَقَدْ اسَّ تَحُودَ عَلَيْكُمُ الشَّيْطَانُ فَأَنْسَاكُمْ ذِكْرَ اللَّهِ الْعَظِيمِ، فَتَبَّ لَكُمْ وَ مَا تُرِيدُونَ) همانا شیطان بر شما غلبه کرده است و یاد خداوند بزرگ را از شما برده است پس مرگ مرگ بر شما و آنچه که می خواهید.

تا اینکه امام فرمود: (همانا من عذر را تمام کردم و هشدار دادم) و به زهیر بن قین پس از اینکه آن جماعت را

موعظه کرد فرمود: (أَقْبَلْ، فَلَعَمْرِي لَئِنْ كَانَ مُؤْمِنٌ آلِ فِرْعَوْنَ نَصَحَ لِقَوْمِهِ وَأَبْلَغَ فِي الدُّعَاءِ، لَقَدْ نَصَحَتْ لِهَؤُلَاءِ وَأَبْلَغَتْ، لَوْ نَفَعَ النَّصِيحَ وَ الْإِبْلَغُ) رویاوار، سوگند به جانم، اگر مومن آل فرعون قوم خود را نصیحت کرد و در دعوت آنها تمام سعی خود را کرد؛ من نیز آنها را نصیحت کردم و تمام سعی خود را کردم، البته اگر نصیحت و ابلاغ سودی داشته باشد.

و در بعضی از روایات آمده است که ایشان در روز عاشورا از روی مهربانی به حال دشمنانش گریست و علت آن را اینگونه بیان نمود: آنها به سبب من وارد آتش می شوند. و او همانند جد و پدر و برادرش (علیه السلام) رحمتی برای جهانیان فرستاده شده است.

عدم تجاوز به حقوق دیگران

از دیگر مصادیق حقوقی که می توان در اینجا برشمرد، عدم تعدی به حقوق دیگران و باز گرداندن آن به صاحبانش

می باشد. به همین دلیل حضرت به برخی از یارانش امر کرد: (نَادِي فِي النَّاسِ أَنْ لَا يُقَاتِلُنَّ مَعِيَ رَجُلٍ عَلَيْهِ دَيْنٌ، فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ رَجُلٍ يَمُوتُ وَ عَلَيْهِ دَيْنٌ لَا يَدْعُ لَهُ وَفَاءً إِلَّا دَخَلَ النَّارَ) در میان مردم اعلام کن، مردی در کنار من جنگ نکند در حالی که دینی بر گردن خود داشته باشد؛ چرا که کسی نیست که بمیرد و دینی به گردن داشته و آن را ادا نکرده باشد مگر اینکه وارد آتش شود. ایشان این موقعیت سخت

و این برهه از تاریخ را توجیهی برای کوتاهی در ادای حقوق مردم نمی بیند.

امام باقر(علیه السلام) از پدرش امام سجاد(علیه السلام) روایت می کند که آخرین چیزی که پدرش امام حسین(علیه السلام) هنگام وداع و خارج شدن برای جنگ به وی وصیت کرد این بود: (یا بَنِي اتَّقِ ظُلْمَ مَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهُ تَعَالَى) ای فرزندانم بپرهیز از ستم کردن بر کسی که جز خداوند یاورى نداشته باشد.

اولویت منافع اجتماعی بر منافع فردی

از دیگر موارد را می توان فدا کردن مصالح شخصی برای وحدت امت و مصالح والای آن برشمرد.

حضرت فرمود: (أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ اللَّهَ اصَّ طَفَى مُحَمَّدًا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عَلَى خَلْقِهِ، وَ أَكْرَمَهُ بِنُبُوَّتِهِ، وَ اخْتَارَهُ بِرِسَالَتِهِ، ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ، وَ قَدْ نَصَحَ لِعِبَادِهِ، وَ بَلَغَ مَا أُرْسِلَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَ كُنَّا أَهْلِهِ وَ أَوْلِيَانِهِ وَ أَوْصِيَاءَهُ وَ وَرِثَتَهُ، وَ أَحَقُّ النَّاسِ بِمَقَامِهِ فِي النَّاسِ، فَاسْتَأْثَرَ عَلَيْنَا قَوْمَنَا بِذَلِكَ، فَرضينا وَ كَرِهْنَا الْفُرْقَةَ وَ أَحْبَبْنَا الْعَافِيَةَ، وَ نَحْنُ نَعْلَمُ أَنَا أَحَقُّ بِذَلِكَ الْحَقِّ الْمُسْتَحَقِّ عَلَيْنَا مِمَّنْ تَوَلَّاهُ) اما بعد: همانا خداوند محمد (صلی الله علیه و آله) را بر خلق برگزید و او را به نبوتش گرامی داشت و به رسالت خود انتخاب نمود. سپس او را به سوی خود فرا خواند در حالی که به بندگانش خیر خواه بود

و آنچه به او (صلی الله علیه و آله) ارسال شده را ابلاغ کرده است. و ما اهل و اولیاء و اوصیاء و ورثه او بودیم و ما سزاوارتر به جانشینی وی در بین مردم هستیم، اما مردم این امر را از ما گرفتند پس راضی شدیم و تفرقه را بد دانستیم و عافیت را دوست داشتیم، در حالی که ما می دانیم ما مستحق تر به آن حق از کسانی هستیم که متولی آن شدند.

و از مهمترین وصایای امام حسین (علیه السلام) که به عنوان وسیله ای برای تحقق بخشیدن اصول انسانی والا عبارتند از: صبر و رضایت به قضاء الهی و عدم بی تابی و جزع در سختی ها و مصائب بود.

هنگامی که حضرت زینب (سلام الله علیها) زمره های شهادت را از برادرش حسین (علیه السلام) در حالیکه شمشیرش را صیقل می کرد شنید، بر صورت خود زد و از حال رفت، حضرت آب بر صورتش ریخت و به او فرمود: (يَا أُخْتَاهُ عِزِّي بِعَزَائِ اللَّهِ اَرْضِي بِقَضَاءِ اللَّهِ ، فَإِنْ سَكَّانِ السَّمَاوَاتِ يَفْنُونَ وَأَهْلُ الْأَرْضِ يَمُوتُونَ وَ جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ لَا يَبْقُونَ ، وَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ ، لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ، وَإِنْ لِي وَ لَكَ وَ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ أُسْوَةٌ بِمُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خواهرم به آن شکیبایی که خدا بهره ات ساخت بردباری کن و به قضای او راضی باش، بدان که اهل آسمان فانی می شوند و اهل

زمین می میرند و تمام انسان ها باقی نمی مانند و همه چیز از بین می رود مگر خداوند متعال. حکم از آن اوست و به

سوی او باز می گردید و همانا برای من و تو، و هر زن و مرد مومن، در وجود پیامبر (صلی الله علیه و آله) الگو واسوه است.

این مطالب برداشت مختصری از فرمایشات و عملکرد امام حسین (علیه السلام) در مورد حقوق بشر بود و لازم است - در حالی که ما در مقابل هجمه هایی که از سوی غرب به عنوان کشورهای متمدن به سر می بریم - به شناخت و

معرفت خود عمق بیشتری ببخشیم تا آن را به عنوان یک منظومه کامل که بتواند سعادت و خوشبختی و پیشرفت و

کرامت و آزادی را برای انسان ها به ارمغان آورد را به جامعه جهانی عرضه کنیم(1).

ص: 58

1- روایات مذکور را می توان در کتاب (موسوعه امام حسین علیه السلام) انتشارات مرکز تحقیقات باقر العلوم در صفحات 531، 959، 432، 433، 383، 511، 457، 512، 483، 485، 491، 501، 519، 505 یافت.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

